

گسترش ناتو به سوی شرق

□□ از: کورش احمدی

مقدمه

رهبران کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در نشست خود در ۸ و ۹ ژوئیه در مادرید در مورد نخستین مرحله گسترش ناتو به سوی شرق به توافق رسیدند و موافقت خود را با عضویت لهستان، مجارستان و چک در ناتو اعلام کردند. در اعلامیه‌ای که در پایان این نشست انتشار یافت اعلام شده است که «درهای ناتو همچنان به روی دیگر کشورهای اروپای شرقی و مرکزی که حائز شرایط عضویت شوند، باز خواهد بود» و سران ناتو بار دیگر در سال ۱۹۹۹ برای «بررسی پیشرفت کار» گرد خواهند آمد.

این تصمیم در حالی گرفته شد که اکثر کشورهای اروپایی به رهبری فرانسه افزون بر عضویت سه کشور فوق خواستار عضویت رومانی و اسلوانی در ناتو نیز بودند. اما مخالفت آمریکا در نهایت این کشورها را به عقب‌نشینی از موضع خود واداشت. راه برای گسترش ناتو به سوی شرق تنها پس از امضای سندی بین سران ناتو و رهبر روسیه در ماه مه گذشته هموار شد. امضای این سند زمینه لازم را برای تعدیل مواضع مسکو در قبال گسترش ناتو فراهم آورد و به مخالفت قاطع و فعال مقامات روسی در این زمینه خاتمه داد. این سند و ابعاد مختلف گسترش ناتو به سوی شرق که از اهمیتی تاریخی برای اروپا و نظام بین‌المللی برخوردار است در مقاله زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

سران این سازمان در ۸ و ۹ ژانویه در مادرید هموار کرد.

شیراک در سخنرانی خود در مراسم امضای سند بنیانی در کاخ الیزه از این تحول به عنوان «گامی جدید و شروع عصری نو در ساختمان صلح در اروپا» و «روزی تاریخی برای اروپا» نام برد و امضای آن را مترادف با «بشت سر گذاشتن نیم قرن سوء تفاهم، تقابل و صف بندی در قاره اروپا» دانست. یلتسین در این مراسم امضای سند را «پیروزی عقل» توصیف کرد. کلینتون آن را سرآغاز شکل گیری «ناتوی جدیدی که همکار روسیه خواهد بود و نه علیه آن» خواند. سولانا دبیرکل ناتو نیز

سند را «مهم‌ترین موافقتنامه‌ای که تاکنون بین روسیه و ناتو به امضا رسیده» دانست و از آن به عنوان «شروع نگارش فصل جدیدی در تاریخ امنیت اروپا» یاد کرد.^۲

در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۹۷ (۶ خرداد سال جاری) رهبران شانزده کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از یک سو و یلتسین رئیس‌جمهور روسیه از سوی دیگر سندی تحت عنوان «سند بنیانی در مورد روابط متقابل، همکاری و امنیت بین ناتو و روسیه»^۱ را در پاریس امضا کردند. این سند حاوی شرایط همکاری‌های امنیتی آینده بین این دشمنان قدیمی است و باید آن را نقطه عطفی در چانه‌زنی‌های دیپلماتیک چندساله اخیر بین ناتو و روسیه در مورد تنظیم رابطه دوطرف به شمار آورد. فرض بر این است که با امضای این سند، مسکو در ازای برخورداری از رابطه امنیتی ویژه با غرب، از مخالفت فعال با گسترش ناتو به سوی شرق اروپا و ایجاد بحرانی بزرگ در این زمینه پرهیز خواهد کرد. امضای این سند عملاً راه را برای شروع روند پذیرش برخی از اعضای سابق پیمان ورشو به عضویت ناتو در اجلاس ویژه

ساختار امنیتی اروپا در مرحله گذار

ناتو طی بیش از ۵۰ سال گذشته مهمترین ساختار امنیتی در منطقه اروپا - آتلانتیک به شمار رفته است. در دوره جنگ سرد هدف این سازمان بازداشتن بلوک شرق از انجام اقدامی نظامی بر ضد اروپای غربی (ضمن کنترل آلمان و پای بند کردن آمریکا به مسائل اروپا) بوده است. با خاتمه جنگ سرد و فروپاشی دشمن اصلی ناتو، انطباق این سازمان و بطور کلی ساختارهای امنیتی اروپا با شرایط جدید بین المللی به مشغله اصلی اعضای آن تبدیل شد. در این خصوص گذشته از مسئله گسترش ناتو به سوی شرق موضوعات دیگری چون ایجاد توانایی در ناتو برای مدیریت بحران های محلی، امکان اقدام نظامی از سوی این سازمان در خارج از محدوده عملیاتی خود و... نیز مطرح بوده است. طی این سال ها، علی رغم از میان رفتن علت وجودی ناتو، کشورهای غربی تلاش داشته اند تا آن را به عنوان بهترین وسیله برای سروری سیاسی - نظامی خود بر جهان حفظ کنند. از آنجا که اروپا در استراتژی جهانی آمریکا دارای نقشی محوری است و ناتو ابزار اصلی اعمال سیاست های آمریکا در اروپا به شمار می رود، مقامات آمریکایی در این رابطه انگیزه های مضاعفی داشته اند.

از سوی دیگر کشورهای اروپای شرقی و مرکزی در پی انحلال پیمان ورشو و بروز نوعی خلأ امنیتی در منطقه، خود را با نوعی احساس ناامنی مواجه دیده اند. این کشورها طی سال های گذشته از خلأ امنیتی موجود و غیر قابل پیش بینی بودن آینده روسیه به عنوان علل اصلی چنین احساس ناامنی یاد کرده اند. در مورد روسیه در خور یادآوری است که این کشور از يك سو ضمن دست به گریبان بودن با اقتصادی ضعیف و مشکلات اجتماعی فراوان، همچنان از نیروی تهاجمی عظیمی برخوردار است. از سوی دیگر، هنوز بین نخبگان سیاسی این کشور در مورد آینده آن و نظام سیاسی مطلوب اتفاق نظری وجود ندارد. به عبارت دیگر، چنین می نماید که هنوز اصلاحات به روندی برگشت ناپذیر تبدیل نشده است. این در حالی است که گرچه روسیه در شرایط حاضر با مشکلات عظیمی در داخل مواجه است اما همه ابزارهای لازم برای ظهور مجدد به عنوان يك ابرقدرت در سیاست بین المللی را دارد. در نتیجه، این نگرانی وجود دارد که در صورت بازگشت روسیه به نوعی نظام سیاسی اقتدارگرا در داخل و سلطه جویی در خارج، منطقه نفوذ سابق این کشور یعنی جمهوری های سابق شوروی و کشورهای اروپای مرکزی در وهله نخست مورد تهدید قرار گیرند. باتوجه به وجود چنین نگرانی هایی یازده کشور منطقه شامل لتونی، استونی، لیتوانی، لهستان، چک، مجارستان، رومانی، اسلوانیا، بلغارستان، اسلواکی و مقدونیه رسماً تمایل خود را برای عضویت در ناتو اعلام کرده اند.

در چنین شرایطی طی چند سال اخیر قدرت های غربی در پی آن بوده اند تا از طریق گسترش ناتو کشورهایی را که ممکن است روزی

درآینده به عضویت مجدد بلوک روسیه درآیند بیش از پیش از مدار مسکو دور و ادغام آنها را در بلوک خود تضمین کنند. تصویب ابتکار آمریکا تحت عنوان «مشارکت برای صلح» توسط سی امین اجلاس اعضای ناتو در بروکسل در ژانویه ۱۹۹۴ نخستین گام در روند جذب کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در نظام امنیتی اروپا - آتلانتیک بود. در مقابل، واکنش روسیه نمی توانست چیزی جز مخالفت قاطع با چنین روندی باشد. مقامات این کشور روند مذکور را در جهت شکل گیری «صلحی سرده»، ایجاد «صف بندی جدیدی در اروپا»، تلاشی برای «منزوی کردن روسیه» و... توصیف کردند.

از طرفی، سیاستی که آمریکا بطور کلی طی دوره بعد از جنگ سرد در قبال روسیه دنبال کرده مشابه سیاستی است که این کشور بعد از جنگ دوم در قبال آلمان و ژاپن به اجرا گذاشت. کمک به تبدیل روسیه به کشوری دموکراتیک در سیاست داخلی و تهدیدزدایی از آن در سیاست خارجی در راس این سیاست ها قرار داشته است. در همین راستا پذیرش روسیه در «باشگاه امنیتی اروپا» همواره طی چند سال گذشته در مدنظر بوده است. به گفته یکی از نظریه پردازان اروپایی «روسیه به عنوان يك کشور منفرد همیشه مسئله ساز خواهد بود. واشینگتن باید مسکورا مطمئن سازد که اولویت بالایی برای ایجاد يك ساختار امنیتی اروپایی با مشارکت روسیه قائل است... و گسترش ناتو به شرق باید مادام که طرح چنین مشارکتی ریخته نشده به تعویق افتد.»^۲ برخی از نظریه پردازان غرب همچنین بر این باورند که پذیرش سریع کشورهای پیشرفته اروپای شرقی و مرکزی در ناتو بطور غیر مستقیم به سود روسیه نیز خواهد بود، چرا که چنین تحولی باعث ثبات تمامی منطقه خواهد شد و روسیه برای همیشه در کنار غرب قرار خواهد گرفت.^۳ در چنین شرایطی، آمریکایی ها احساس می کنند که امضای سند پاریس که به روسیه امکان طرح نظراتش را در چارچوب ناتو می دهد ضمن این که گسترش ناتو را به خطر نمی اندازد، می تواند اثر بخش باشد.

از طرفی نگرانی دیگری نیز از ناحیه قوم گرایی و ملیت گرایی افراطی در منطقه از يك سو و ناآرامی های داخلی در کشورهای منطقه که دوره گذار به نظامی جدید را از سر می گذرانند، از سوی دیگر وجود دارد. در این زمینه، تحولات سال های اخیر در یوگسلاوی سابق و ناآرامی های تازه در آلبانی قابل ذکر است. کشورهای اروپای غربی نیز در عین حال نگران سرایت احتمالی این قبیل مخاطرات به مناطق همجوار هستند.

ترغیب روس ها

از طرفی واقعیت این بود که مجال مانور غرب برای گسترش ناتو نیز همواره محدود بوده است. اعضای ناتو می بایست به نحوی عمل می کردند که زمینه برای تحریک روسها، وقوع جنگ سردی جدید و ایجاد صف بندی استراتژیک تازه ای در اروپا فراهم نمی آمد. در عین حال

دستور پرداخت اولین قسط سال جاری آن به میزان حدود ۷۰۰ میلیون دلار صادر شده است.^۱

محتوای سند پاریس

«سند بنیانی...» که در پاریس به امضا رسید متنی ۱۶ صفحه‌ای است که پیش‌نویس آن در ۱۴ مه گذشته در پی شش دور مذاکره بین طرفین آماده شده بود. این سند چیزی بیش از یک منشور است ولی تصویب پارلمان‌های کشورهای امضا کننده را لازم ندارد، اگر چه یلتسین گفته است که خواستار اظهار نظر پارلمان روسیه در مورد آن خواهد شد. در بند دوم از مقدمه سند تأکید شده است که ناتو و روسیه به یکدیگر چون دشمن نمی‌نگرند و «هدف مشترک آنها از میان بردن بقایای دوران تقابل و رقابت و افزایش اعتماد متقابل و همکاری است.»

بند یازدهم سند حاوی شرح اصولی است که مبنای روابط دوطرف خواهد بود. این اصول عبارتند از:

- ایجاد و توسعه مشارکتی قوی، باثبات، بادوام، و همکاری برای تحکیم امنیت و ثبات در منطقه اروپا - آتلانتیک بر مبنای شفافیت؛
- شناسایی نقش اساسی دموکراسی، کثرت‌گرایی سیاسی، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های مدنی و ترویج اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد در توسعه مشترک و امنیت عمومی؛

- امتناع از توسل به تهدید یا استفاده از زور برضد یکدیگر؛
- شفافیت متقابل در امور مربوط به تدوین و اجرای سیاست‌های دفاعی و دکترین‌های نظامی؛

- جلوگیری از بروز مناقشات، و حل اختلافات از راه‌های مسالمت‌آمیز بر اساس اصول سازمان ملل و سازمان همکاری و امنیت اروپا؛

- حمایت مورد به مورد از عملیات حفظ صلح شورای امنیت سازمان ملل و کنفرانس امنیت و همکاری اروپا.

در بند دوازدهم سند تصریح شده است که ناتو و روسیه «با هدف انجام فعالیت‌ها و پیگیری اهداف پیش‌بینی شده در سند و تعیین نحوه برخورد مشترک با مسائل امنیتی و نیز مسائل سیاسی اروپا» اقدام به تشکیل یک «شورای مشترک دائمی ناتو-روسیه» خواهند کرد. «هدف اصلی این شورای مشترک، ایجاد اعتماد فزاینده، سرنوشت مشترک و عادت به مشورت و همکاری بین ناتو و روسیه به قصد تحکیم امنیت طرفین و نیز امنیت کلیه کشورهای واقع در منطقه اروپا - آتلانتیک... خواهد بود.» مطابق بند سیزدهم، شورای دائمی «مکانیسم لازم برای مشورت و هماهنگی و در موارد مقتضی تصمیم‌گیری مشترک را برای ناتو و روسیه تأمین خواهد کرد.»

در مورد تشکیل جلسات شورای مذکور در بند هیجدهم خاطر نشان شده است که این شورا سالی دو بار در سطح وزرای خارجه و دفاع و هر

امتیازاتی نیز که از این رهگذر به مسکو داده می‌شد نمی‌بایست زمینه‌ساز تضعیف ناتو در شکل‌بندی جدید خود شود. نتیجه این که در چنین چارچوبی زمینه برای نوعی مصالحه شکل گرفت. به این ترتیب روسها آماده شدند تا مخالفت فعال با گسترش ناتو را کنار بگذارند و در مقابل، ناتو نیز اعطای برخی امتیازات به روسیه را پذیرفت.

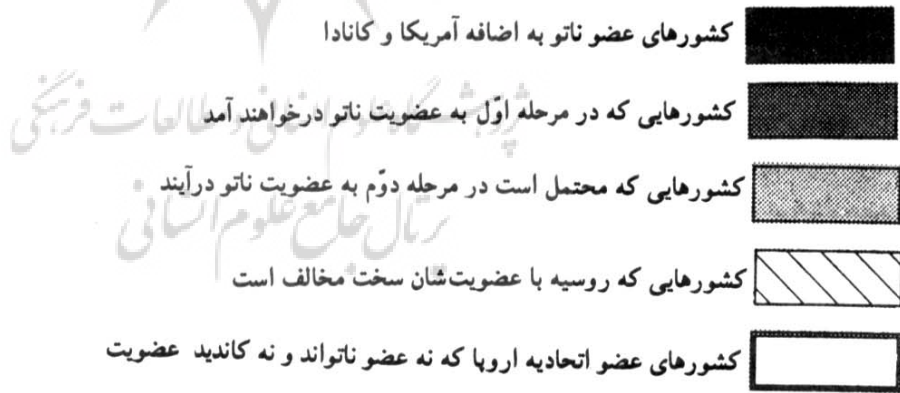
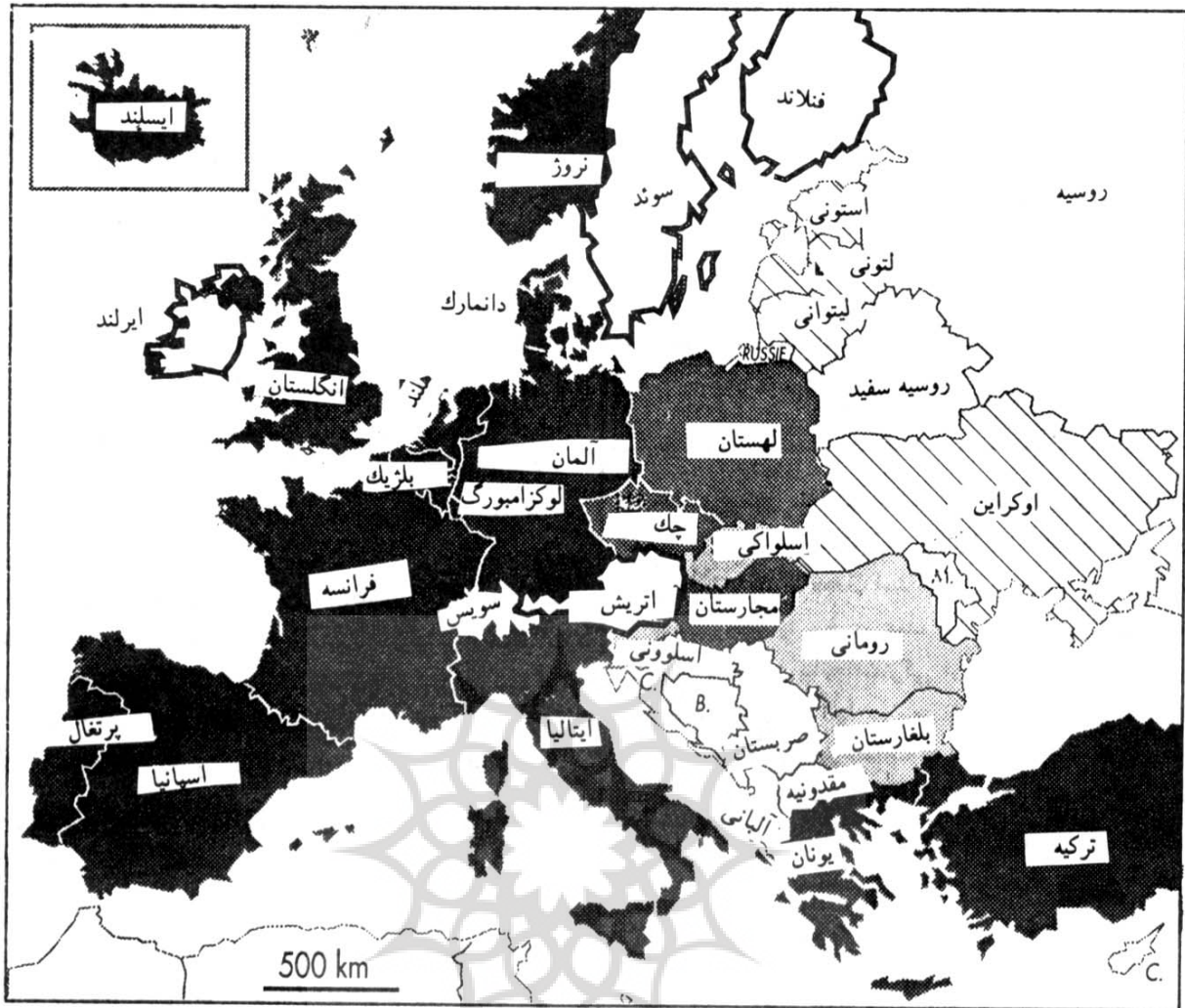
در چنین زمینه‌ای روس‌ها در جریان اجلاس سران آمریکا و روسیه در هلسنکی در ۲۲ مارس ۱۹۹۷ نشانه‌های قاطعی در مورد آمادگی برای مصالحه از خود نشان دادند. پیش از این عزم غرب برای گسترش ناتو و اعلام تاریخ برگزاری اجلاس سران در مادرید جهت تصمیم‌گیری درباره کشورهای که باید به عضویت ناتو پذیرفته شوند، از یک سو و تردید روسها نسبت به داشتن توانایی جلوگیری از گسترش ناتو از سوی دیگر آنها را دچار تزلزل کرده بود. در نتیجه این فکر به تدریج در بین نخبگان دولتی روسیه شکل گرفته بود که در برابر عزم غرب به پیشبرد طرح خود در موقعیتی نیستند که بتوانند مقاومت مؤثری در برابر آن سازمان دهند.

یلتسین در هلسنکی به خبرنگاران گفت که «تصور می‌کند آقای کلینتون و همکارانش با تلاش برای دستیابی به مصالحه‌ای [در مورد گسترش ناتو] موافقت و ما چون دفعات قبل این بار نیز دوستانه از هم جدا خواهیم شد.»^۵ به عبارت دیگر، مقامات روسیه در این مقطع نشان دادند که آماده نیل به نوعی مصالحه در این مورد شده‌اند. امتیازاتی را که غرب آماده ارائه آنها به روسیه بود به شرح زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱- اعطای جایگاهی ویژه به روسیه در امور امنیتی اروپا و برقراری رابطه‌ای ویژه بین روسیه و ناتو به نحوی که در سند پاریس تصریح شده است.

۲- اعطای امتیازاتی در مورد کاهش نیروهای کلاسیک در اروپا. در این زمینه، غرب با تجدیدنظر در موافقتنامه مربوط به کاهش نیروهای کلاسیک در اروپا CFE موافقت کرد. توضیح آن که این موافقتنامه پیش از انحلال پیمان ورشو و بر مبنای معامله‌ای بین دو بلوک منعقد شده بود. اکنون با توجه به تغییر توازن قوای متعارف به سود ناتو،^۶ روسها خواستار تجدیدنظر در آن هستند که طبعاً باید به کاهش نیروهای کلاسیک ناتو در اروپای مرکزی بینجامد.

۳- اعطای پاره‌ای امتیازات اقتصادی به روسیه. در این مورد کلینتون در پی مذاکره با یلتسین در هلسنکی به خبرنگاران گفت که آمریکا با عضویت روسیه در کلوپ پاریس، OECD و سازمان تجارت جهانی موافقت کرده و همچنین پذیرفته است که این کشور به عنوان عضوی فعال در اجلاس سال ۱۹۹۷ گروه هفت کشور صنعتی در دنور شرکت کند و به همین لحاظ این گروه از این پس گروه ۸ نامیده خواهد شد.^۷ وی همچنین اعلام کرد که دولت آمریکا به روسیه برای تأمین مالی صنایع این کشور کمک خواهد کرد.^۸ متعاقب این تحول، هیئت مدیره صندوق بین‌المللی پول در ۱۶ مه اعلام کرد که با از سرگیری پرداخت وام سه ساله ۱۰ میلیارد دلاری به روسیه موافقت کرده و در این رابطه



به عهده دبیرکل ناتو، نماینده ادواری یکی از کشورهای عضو ناتو و نماینده روسیه خواهد بود (بند ۲۲). فدراسیون روسیه یک نمایندگی دائمی در ستاد ناتو دایر خواهد کرد که در آن یک نماینده نظامی عالی مقام نیز حضور خواهد داشت. ناتو نیز می تواند دفتر نمایندگی مناسبی در مسکو ایجاد کند (بند ۲۴). مطابق این سند، شورای ناتو-روسیه باید نخستین اجلاس خود را تا پایان سپتامبر سال جاری مسیحی برگزار کند. در عین حال متن سند حاکی از آن است که روسیه در کسب

ماه در سطح سفرا و نمایندگان دائمی عضو شورا تشکیل جلسه خواهد داد. در این بند همچنین مقرر شده است که نمایندگان نظامی یک بار در ماه و رؤسای ستادهای مشترک ارتش کشورهای عضو حداقل دو بار در سال تحت نظر شورا تشکیل جلسه دهند. کمیته کارشناسان نظامی نیز در موارد لازم شورا تشکیل خواهد شد (بند ۲۱). شورا در صورت لزوم می تواند اقدام به ایجاد کمیته و گروه های کاری نماید. (بند ۲۰)، شورا همچنین می تواند در صورت لزوم در سطح رؤسای کشورهای یا دولت های عضو نیز تشکیل جلسه دهد (بند ۱۹) ریاست شورای دائمی مشترکاً

این کاری است که تاکنون صورت نگرفته است.^{۱۲} دبیرکل ناتو طی مقاله‌ای در روزنامه لوموند تأکید کرد که «مشارکت با ثبات و با دوام بین دو طرف تنها با امضای سندی هرچند دقیق حاصل نخواهد شد. مشارکت، تنها در صورتی توسعه خواهد یافت که مکانیسم‌های مطرح شده در این سند مورد بهره‌برداری کامل قرار گیرد. نخستین فصل نوشته شده است ولی بقیه آن باید نوشته شود و این به دو طرف - به خلاقیت و اراده ما در جدی گرفتن طرف دیگر و توانایی ما به تحکیم اعتماد متقابل بستگی دارد.»^{۱۳}

عکس‌العملها در منطقه

رؤسای جمهور سه کشور بالتیک یعنی لتونی، استونی و لیتوانی طی نشستی در ۲۶ مه در استونی (یک روز پیش از امضای سند پاریس) بار دیگر الحاق به ناتو را «هدف استراتژیک» خود خواندند. آنها که تهدید از جانب روسیه را خطری عمده برای استقلال و موجودیت خود می‌دانند با صدور بیانیه مشترکی از اعضای ناتو خواستند تا از درخواست عضویت آنها در این اتحادیه نظامی حمایت کنند. رئیس‌جمهور استونی در مصاحبه‌ای در همان روز با تعریف گسترش ناتو به «عنوان گسترش منطقه‌ای که در آن از دموکراسی حمایت می‌شود» گفت در صورت عدم پذیرش جمهوری‌های بالتیک در ناتو، این منطقه عملاً در «منطقه خاکستری» قرار خواهد گرفت. وی توضیح داد که «منطقه خاکستری» منطقه‌ای است که تحت پوشش توافقات بین‌المللی که ضامن صلح و ثبات هستند، قرار ندارد.^{۱۴}

رهبان سه کشور بالتیک همراه با رؤسای جمهور اوکراین و لهستان روز بعد (۲۷ مه) نشست دیگری در تالین داشتند. در بیانیه‌ای که در خاتمه این اجلاس انتشار یافت درخواست شده است که در پی اولین دور عضوگیری، درهای ناتو بسته نشود. در این اعلامیه ضمن تأکید بر «حق هر کشور برای تأمین ابزارهای لازم برای حفظ امنیت خود» اضافه شده است که «ناتو باید به روی کلیه کشورهایی که خواستار عضویت در آن هستند باز بماند و کشورها به مجرد احراز شرایط لازم برای عضویت دعوت شوند.»^{۱۵}

ناتو عمدتاً به دلیل حساسیت جدی روسیه دست کم در اولین دور پذیرش اعضای جدید، گرایشی به پذیرش جمهوری‌های سابق شوروی از خود نشان نخواهد داد. مقامات کشورهای عضو ناتو کراراً آمادگی خود را برای پذیرش اعضای جدید در ناتو اعلام کرده‌اند و در پی امضای سند پاریس نیز تأکید دارند که عضویت کشورهای بالتیک در ناتو منتفی نشده و حتی روسیه خود نیز ممکن است روزی به عضویت ناتو درآید. با این حال آنها توجه دارند که هر چه گسترش ناتو به مرزهای روسیه نزدیک‌تر شود امکان بروز تشنج بیشتر خواهد بود. یلتسین در هفته پیش از امضای سند پاریس تصریح کرده بود که «چنانچه ناتو درآینده تصمیم به پذیرش عضویت جمهوری‌های سابق شوروی

تضمین‌های کافی برای پیشبرد نظراتش در چارچوب ناتو ناموفق بوده است. در این رابطه بند هفدهم سند تأکید دارد که «مفاد این سند در هیچ مرحله‌ای به روسیه یا ناتو حق وتو در مورد اقدامات طرف دیگر را نمی‌دهد و حقوق ناتو و روسیه را در امر تصمیم‌گیری یا اقدام محدود نمی‌سازد.»

به این ترتیب شورای مشترک دائمی ناتو - روسیه عملاً به ناتو امکان می‌دهد تا بدون دادن حق وتو به روسیه، این کشور را در امور امنیتی و ابتکاراتی در زمینه‌های مربوطه همچون حفظ صلح، طرف مشورت قرار دهد. به عبارت دیگر روسیه تنها امکان تأثیرگذاری بر تصمیمات ناتو را به دست آورده است. امکانی که چندوچون آن را شرایط زمانی و مکانی تعیین خواهد کرد. به گفته سولانا این شورا به طرفین امکان می‌دهد تا روابطی نزدیک همراه با مشورت در مورد جزئیات با هم برقرار نمایند. یلتسین نیز بر آن است که «روسیه از این مکانیسم برای طرح نگرانی‌های خود استفاده خواهد کرد...»^{۱۶}

بخش سوم سند به شرح زمینه‌های همکاری بین ناتو و روسیه اختصاص یافته و در آن از جمله به امور امنیتی، جلوگیری از مناقشات شامل دیپلماسی پیشگیرانه، مدیریت بحران‌ها و حل درگیری‌ها، عملیات مشترک از جمله عملیات حفظ صلح، شرکت روسیه در شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک و مشارکت برای صلح، تبادل اطلاعات و مشورت در مورد استراتژی، سیاست‌های دفاعی و دکترین‌های نظامی و بودجه طرفین، کنترل تسلیحات، امنیت اتمی، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار انبوه و قاچاق مواد مربوطه، افزایش امنیت تردد هوایی در منطقه، تلاش در جهت شفافیت بیشتر و افزایش اعتماد متقابل در ارتباط با سلاح‌های متعارف، تبادل نظر در مورد مسائل مربوط به سلاح‌های اتمی و... اشاره شده است.

در بخش چهارم سند تأکید شده است که «اعضای ناتو هیچ‌گونه قصد، برنامه، یا دلیلی برای استقرار سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو اعضای جدید ندارند... و نیازی به چنین اقدامی را درآینده پیش‌بینی نمی‌کنند» این یکی از مهمترین امتیازاتی است که روسیه در این سند دریافت کرده است. در این بخش همچنین به تفصیل به موضوع تجدیدنظر در پیمان مربوط به کاهش سلاح‌های متعارف در خاک اروپا پرداخته شده و در پایان ضمن تأکید بر روند فشرده تماس و گفتگوی مستمر بین طرفین، به منظور تسهیل انجام چنین روندی و پشتیبانی از عناصر نظامی شورای دائمی ایجاد هیأت‌های نظامی در سطوح مختلف پیش‌بینی گردیده است.^{۱۷}

به گفته منابع ناتو شکست روسیه در اخذ حق وتو در مورد تحولات بعدی ناتو به این معناست که موفقیت روابط جدید بین طرفین به تغییر روش روسیه در قبال ناتو بستگی دارد، روشی که همچنان از بی‌اعتمادی‌های دوران جنگ سرد اثر می‌پذیرد. برای همکاری روسیه و ناتو قبلاً پیش‌بینی‌هایی در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح شده بود اما مسکو باید در عمل نسبت به مشارکت در فعالیت‌هایی چون شرکت در آموزش و مانورهای مشترک، تبادل افسران و... اقدام کند و

یافت، تهدیدی از ناحیه غرب احساس نکرده‌ام. به اعتقاد من بی‌کفایتی رهبران در روسیه تهدید بسیار بزرگتری است. سیاست مالیاتی ما جنایت و فساد را تشویق می‌کند. خطر واقعی برای کشور ما همین است»^{۲۰}

از طرفی درحالی که واکنش سیاستمداران ناسیونالیست و کمونیست نسبت به سند پاریس منفی بوده، گزارش‌های منتشر شده حکایت از بی‌تفاوتی نسبی عامه مردم روسیه نسبت به موضوع گسترش ناتو دارد. نظرسنجی‌های انجام شده پیش از امضای سند در پاریس، حاکی از آن بود که گرچه بیشتر مردم مخالف گسترش ناتو هستند، اما در نظر آنها این موضوع در مقایسه با مسائل داخلی کشور از جمله عدم پرداخت دستمزدها، مالیات‌ها، جنایات و... از اهمیت کمتری برخوردار است. یکی از این نظرسنجی‌ها حکایت از آن دارد که ۳۷ درصد با گسترش ناتو به لهستان، مجارستان و چک ابراز مخالفت و ۱۴ درصد ابراز موافقت کرده‌اند. این درحالی است که در این نظرسنجی ۴۹ درصد از کسانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند نظری نداشته یا برای این موضوع اهمیتی قائل نبوده‌اند. در نظرسنجی دیگری که در فوریه گذشته انجام شد ۳۸ درصد از پرسش‌شوندگان از حملات سیاستمداران روسیه بر ضد گسترش ناتو به عنوان تلاشی برای گرفتن کمک‌های بیشتر از غرب یا انحراف اذهان مردم از مشکلات اقتصادی و اجتماعی یاد کرده‌اند. ۳۰ درصد نیز گفته‌اند که نظری در این مورد ندارند.^{۲۱} از دید برخی از صاحب‌نظران چنین واکنشی از ناحیه افکار عمومی روسیه می‌تواند باعث تخفیف نگرانی‌های غرب شود.

با این حال الکساندر لید نامزد انتخابات پیشین ریاست جمهوری که از نظر آراء در مکان سوم قرار گرفت، طی مقاله‌ای در ایزوستیا امضای سند را مساوی با تسلیم روسیه خواند و گفت اگر او در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسیده بود با گسترش ناتو مخالفت می‌کرد. وی گفت: «این توافق يك يالتای دوم البته با حذف روسیه است. این سند حوزه نفوذ آمریکا و ناتو یعنی طرف‌های پیروز در جنگ سرد را مشخص می‌کند. روسیه که طرف بازنده در این جنگ بود به این ترتیب سند تسلیم خود را امضا کرده است.» لید افزود: «اگر ناتو همچنان روسیه را منطقه‌ای حائل بین خود و آسیا بداند هند و چین می‌توانند به‌دو شریک بزرگ و استراتژیک روسیه تبدیل شوند».^{۲۲}

در این میان قابل توجه است که خبرگزاری ایتارتاس از سلزنیوف رئیس کمونیست دوما دولتی روسیه نقل کرده بود که «دوما در صورت حصول اطمینان از اینکه سند پاریس تهدید ناتو برای روسیه را به حداقل خواهد رساند، آن را تصویب خواهد کرد.» وی گفته است که «پیش از امضای این سند ناتو می‌توانست بدون رضایت روسیه اقدام به پذیرش اعضای جدید کند».^{۲۳}

ادامه برخی ابهامات

غرب مدعی است که گسترش ناتو به سوی شرق می‌تواند راهی

بگیرد، روسیه در روابط خود با ناتو تجدیدنظر خواهد کرد»^{۱۶}

از طرفی، شایان ذکر است که اوکراین با ۵۲ میلیون جمعیت، عضو سابق اتحاد شوروی و دومین کشور وسیع اروپا بعد از روسیه از نظر ژئوپلیتیک اهمیت زیادی برای آمریکا و اروپا دارد. این کشور نامزد عضویت در ناتو نیست چرا که می‌داند با توجه به مخالفت جدی مسکو، شرایط برای عضویتش در ناتو به هیچ روی آماده نیست. در چنین وضعی اوکراین چاره‌ای جز اکتفا کردن به امضای سندی تحت عنوان «منشور مشارکت» با ناتو نداشت. این سند در ۲۹ مه توسط دبیرکل ناتو و وزیر خارجه اوکراین پاراف و در جریان اجلاس سران ناتو در مادرید امضا شد. در این منشور که برد و دامنه سند پاریس را ندارد گشایش يك «دفتر اطلاعات ناتو در کیف» و «دسترسی اوکراین به برخی از خدمات ناتو نظیر بخش علمی این سازمان» پیش‌بینی شده است. این سند به اوکراین موقعیتی مساوی با موقعیت روسیه برای گفتگو درباره مسائل امنیتی اروپا نمی‌دهد.^{۱۷}

از طرفی اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو در سیترا در پرتغال در ۲۹ مه نشان داد که از ۱۱ کشور متقاضی عضویت در ناتو، در دور اول عضوگیری تنها در مورد پذیرش سه کشور یعنی لهستان، مجارستان و جمهوری چک بین اعضای ناتو اتفاق نظر وجود دارد. درحالی که تعداد زیادی از اعضای اروپایی ناتو خواستار پیوستن رومانی و اسلوانیا همراه با سه کشور دیگر هستند، آمریکا بر مخالفت با چنین نظری تأکید داشته است.^{۱۸} اجلاس وزرای دفاع ناتو در بروکسل در ۱۸ ژوئن نیز نتوانست به اختلاف نظر در این مورد پایان دهد.

واکنش در داخل روسیه

چگونگی واکنش افکار عمومی روسیه در قبال گسترش ناتو یکی از مسائلی است که پیوسته هم برای دولت‌های غربی و هم برای رهبری روسیه مطرح بوده است.

در این مورد یلتسین کوشش داشته است تا از يك سو همچنان به ابراز مخالفت با گسترش ناتو ادامه دهد و از سوی دیگر تهدید از این ناحیه و بطور کلی تهدید از سوی غرب را کم اهمیت جلوه دهد. وی در سخنان خود در مراسم امضای سند از جمله تأکید کرد که «مسکو همچنان فکر می‌کند که گسترش برنامه‌ریزی شده ناتو برای پذیرش اعضای سابق پیمان ورشو غیر لازم و نامطلوب است» وی گفت مسکو همچنان نظری منفی نسبت به برنامه گسترش ناتو دارد. وی با این حال گفت این سند حاوی تعهداتی محکم و الزام‌آور است و نباید از هیچ تلاشی برای اجرای آن فروگذار کنیم. وی در عین حال از آنچه که «اراده ناتو برای توجه به نگرانی‌های روسیه» نامید، تمجید کرد.^{۱۹}

از سوی دیگر وی در مصاحبه با یکی از شبکه‌های تلویزیونی روسیه مطالبی برای کاستن از احساس خطر از ناحیه غرب ابراز کرد. وی گفت: «در واقع من از بعد از دبیرستان که شستشوی مغزیم خاتمه

برای تأمین صلح و ثبات پایدار در اروپا، یعنی در قاره ای که دو جنگ جهانی در آن روی داده است باشد. ساموئل برگر مشاور امنیتی کلینتون بر این باور است که گسترش ناتو به محو خطی کمک خواهد کرد که در طول جنگ سرد قاره اروپا را تقسیم کرده بود و از همین رو «هدفی است گسترده، تاریخی و استراتژیک».^{۲۲} در مقابل برخی دیگر از تحلیل گران ضمن منتفی ندانستن امکان مؤثر بودن گسترش ناتو در تأمین صلح در اروپا نگران آنند که چنین تحولی در نهایت سبب به راه افتادن دور جدیدی از دشمنی بین غرب و روسیه گردد. این در حالی است که برخی اساساً شکل گیری اندیشه گسترش ناتو را بیشتر ناشی از ملاحظات سیاست داخلی دولت کلینتون در آستانه دور قبلی انتخابات ریاست جمهوری و در رأس آنها تلاش برای جلب آرای آمریکائیان اروپای شرقی تبار ایالات غرب میانه آمریکا دانسته اند.^{۲۵}

چنانچه اشاره شد دولت های غربی امیدوارند که روابط ویژه جدید با روسیه به این کشور امکان کاهش بودجه دفاعی خود را بدهد، محیطی امن در شرق و مرکز اروپا ایجاد کند و روند انتقال به دموکراسی و بازار آزاد را تقویت نماید. اما به رغم این تحول بسیار مهم هنوز تردیدهایی در مورد حال و آینده منطقه مذکور وجود دارد، از جمله:

- روسها همواره تأکید داشته اند که گسترش ناتو به سوی شرق صفت بندی جدیدی، عمدتاً در شرق برده آهین سابق، به وجود خواهد آورد. برخی نیز همچنان از امضای سند پاریس به عنوان ترسیم مجدد خط درگیری در اروپا و نامعلوم گذاشتن آینده جمهوری های سابق شوروی در برابر روسیه یاد می کنند. به عبارت دیگر، نگرانی از تقسیم دوباره اروپا به مناطق نفوذ جدید هنوز از بین نرفته است. اگرچه سند پاریس در پی نفی چنین مناطقی است، اما به رغم مجموعه تحولات اخیر این اندیشه همچنان به قوت خود باقی است که غرب بطور ضمنی برای روس ها در آنچه آنها «خارج نزدیک» یعنی جمهوری های سابق شوروی می نامند حقوق ویژه ای قائل است.^{۲۶} اگر چنین باشد باید پذیرفت که روسیه با توجه به شرایط نامطلوب داخلی خود ضمن کسب امتیازاتی، تنها خط رقابت بین ناتو و خود را کمی عقب برده است. با توجه به چنین فرضی می توان نتیجه گرفت که در تنظیم سند پاریس تلاش شده است تا برای کاستن از چنین نگرانی هایی روس ها درگیر نوعی مکانیسم همکاری جمعی برای تأمین مشترک امنیت در اروپا شوند. هشدار مقامات ناتو مبنی بر اینکه توافقات جدید تنها در صورتی کارساز خواهد بود که روسیه بقایای بی اعتمادی نسبت به غرب را بزداید و بطور کامل در ساختارهای جدید شرکت کند، قابل توجه است. به عبارت دیگر ظاهراً نباید سند پاریس را پایان ماجرا دانست و عملکرد مشخص طرفین در آینده همچنان تعیین کننده خواهد بود. با این حال نباید ناگفته گذاشت که کشورهای غربی به موازات این روند، تدابیر دیگری را نیز در مد نظر دارند. باز نگه داشتن درهای ناتو پس از دور اول عضوگیری از یک سو و (به قول وزیر خارجه آمریکا) تلاش در جهت پیشبرد «مشارکت برای صلحی قوی تر» جهت همکاری فعال با کشورهایی که به عضویت ناتو در نمی آیند، از سوی دیگر از جمله این

تدابیر دیگر است.^{۲۷}

- از طرفی برخی از کشورهای اروپای مرکزی نگران آنند که در صورت پذیرفته شدن به عضویت ناتو، با آنها همچون اعضای درجه دوم رفتار شود. این کشورها پیوسته بیم داشته اند که ناتو روسیه آنها را دور زده و با هم به توافقاتی برسند که به ضرر آنها باشد. در این رابطه اعلام خودداری از استقرار سلاح اتمی در این کشورها قابل توجه است. البته اعضای ناتو تأکید دارند که این تدابیر را در واقع می توان در چارچوب وسیع تر کاهش تسلیحات در اروپا درک کرد. آنها همچنین گفته اند که اعضای جدید از تضمین های اصولی واحدی (ماده ۵ منشور واشینگتن مبنی بر امنیت مشترک اعضا) برخوردار خواهند شد.

- در مورد آینده ناتو نیز این پرسش همچنان مطرح است که آیا این سازمان به یک سازمان اساساً سیاسی تبدیل خواهد شد و افزایش شمار اعضا بر ماهیت آن تأثیری خواهد گذاشت یا خیر؟ ناتو که اساساً برای مقابله با شوروی به وجود آمده بود با پایان جنگ سرد کارکرد اصلی خود را از دست داد و طی این مدت در جستجوی دشمنی در حد و قواره خود بوده است. پیش از این تلاش هایی برای سازمان دهی مجدد ناتو با توجه به لزوم اولویت قائل شدن برای مدیریت بحران ها صورت گرفته است.^{۲۸} انتظار این است که در پی انجام این توافقات با روسیه این خصلت ناتو بیش از پیش تقویت شود. تحقق همکاری هایی که در سند پاریس پیش بینی شده است می تواند در سال های آینده به تبدیل ناتو به نهاد اصلی برای امنیت اروپا کمک کند به نحوی که سازمان همکاری و امنیت اروپا بیش از پیش اهمیت خود را از دست بدهد. از این رهگذر روسیه هم بی نصیب نخواهد ماند. چرا که این کشور در چارچوب «روابط ویژه» با ناتو از موقعیت بهتری برخوردار خواهد بود تا به عنوان عضوی برابر در چارچوب سازمانی چون سازمان امنیت و همکاری اروپا با بیش از ۵۰ عضو.

- از طرفی تاکنون طرح گسترش ناتو، تصویب پیمان START II را که بویژه آمریکا اهمیت زیادی برای آن قائل است با مشکلات بیشتری روبرو کرده است.^{۲۹} اگرچه تردید و مخالفت نسبت به این پیمان در دومای دولتی روسیه قوی است اما به نظر می رسد که دولت روسیه نیز هرگز عجله ای برای به تصویب رساندن این پیمان نداشته و ترجیح داده است که از آن به عنوان برگی برنده در چانه زنی های خود با غرب بهره گیرد. آمریکا در اجلاس هلسینکی در مارس گذشته به روسیه قول داد که در صورت تصویب پیمان START II در پارلمان روسیه، مذاکره برای کاهش بیشتر سلاح های استراتژیک (START III) را آغاز خواهد کرد. اینک پرسش مهم این است که با توجه به گسترش ناتو و مراحل آن در آینده سرنوشت این پیمان چه خواهد شد.

توضیحات:

1. Founding Act on Mutual Relations, Cooperation and Security between NATO and Russia.
2. Agence France Press, May 27, 1997.
3. Jack E. Matlock Jr., «Dealing with a Russia in

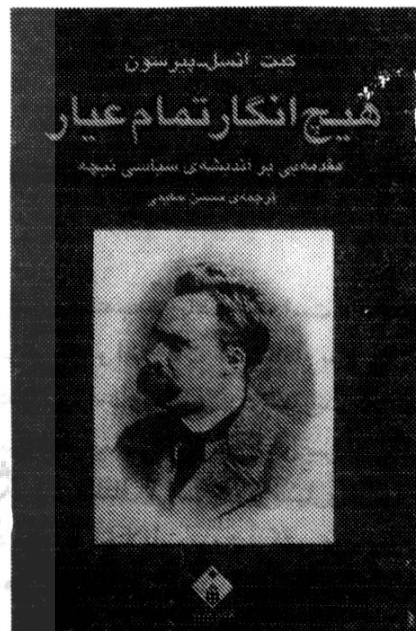
16. **Le Monde**, le 28 mai 1997.
 17. **Le Monde**, le 31 mai 1997.
 18. **Ibid.**
 19. **Itar Tas**, May 27, 1997.
 20. **Herald Tribune International**, May 29, 1997.
 21. **Ibid.**
 22. **Agence France Press**, May 27, 1997.
 23. **Itar Tas**, May 27, 1997.
 24. **Herald Tribune International**, May 23, 1997.
 25. **Ibid.**
 ۲۶. البته اینکه روس‌ها در سند پاریس فرمول پیچیده‌ای را در مورد حق کشورها برای انتخاب اتحادیه‌های مورد نظرشان پذیرفته‌اند، حائز اهمیت است.
 27. **Reuter News Agency**, May 29, 1997.
 ۲۸. واگذاری اجرای موافقتنامه دیتون بوسنی به ناتو و همکاری نظامیان ناتو روسیه در آن کشور تحول مهمی در این زمینه به شمار رفته است.
 ۲۹. پیمان START II در سال ۱۹۹۳ بین بوش و یلتسین امضا شد و سنای آمریکا آن را در سال ۱۹۹۶ از تصویب گذراند. این پیمان سقف ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ کلاهک اتمی را برای طرفین مقرر کرده است.

Turmoil, **Foreign Affairs**, May - June 1996, Vol. 75, No. 3, p. 49.
 4. M. Aguirre, «L'OTAN au Service de Quelle Securite», **Le Monde Diplomatique**, April 1996.
 5. **Le Monde**, le mars 1997.
 ۶. توازن قوای کلاسیک در گذشته با نسبت ۱ به ۵ به سود پیمان ورشو بود، که اکنون با نسبت ۱ به ۳ به ضرر روسیه و به سود ناتو تغییر کرده است.
 ۷. روسیه در تمامی مباحث اجلاس گروه هفت در دنور به استثنای مباحث اقتصادی شرکت کرد. اکنون مخالفت ژاپن، تنها مانع در راه عضویت کامل روسیه در آن گروه به شمار می‌رود.
 8. **Reuter News Agency**, March 23, 1997.
 9. **Reuter News Agency**, May 16, 1997.
 10. **Agence France Press**, May 26, 1997.
 11. **Le Monde**, le 28 mai 1997.
 12. **Agence France Press**, May 27, 1997.
 13. **Le Monde**, le 28 mai 1997.
 14. **Agence France Press**, May 26, 1997.
 15. **Agence France Press**, May 27, 1997.



روانشناسی مرگ
 اینیاس لپ
 ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی
 انتشارات خجسته
 قیمت ۸۵۰ تومان

ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران
 جواد اطاعت
 نشر سفیر
 قیمت ۵۵۰ تومان



هیچ انکار تمام عیار
 مقدمه‌یی بر اندیشه‌ی سیاسی نیچه
 کیت آنسل - پیرسون
 ترجمه محسن حکیمی
 انتشارات خجسته
 قیمت ۸۵۰ تومان